



از منابع این رسانه، همین تصمیم از سوی والتز می‌توانسته به‌تنهایی سرنوشت او را مشخص کند. یکی از مشاوران ترامپ در این باره به واشنگتن پست گفته بود: «اگر جیم بیکر، توافقی جانبی با سعودی‌ها می‌کرد تا جورِ اچ‌دبلیو بوش را دور بزند، اخراج می‌شد. نمی‌توانی این کار را بکنی. تو برای رئیس‌جمهور کثورت کار می‌کنی، نه رئیس‌جمهور کشوری دیگر.»

▼ عضو اسرائیل دوست تیم ویتکاف

ویتکاف از زمان شروع کارش به عنوان نماینده ویژه ترامپ، تیم بزرگی نبسته بود. در حالی که او مسئولیت سه پرونده مهم مذاکراتی سیاست خارجی را به عهده گرفته بود، این تیم کوچک، برای خیلی‌ها در واشنگتن عجیب به نظر می‌آمد. یکی از اعضای همین تیم کم‌جمعیت، مورگان اورنگاس، سخنگوی وزارت خارجه دولت اول ترامپ از آوریل ۲۰۱۹ تا پایان دوره بود. اورنگاس آن زمان از اعضای دولت تیمی بود که با حضور افرادی مثل برابان هوک و مایک پمپئو، تقابل با ایران و توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را یکی از پروژه‌های اصلی خود تعریف کرده بودند. تکرار توافق اوپاما با نامی دیگر، از نگرانی‌های اصلی آن جریان بعد از شروع گفت‌وگوهای ایالات متحده و ایران بود و به همان نسبت، حضور کسی مثل اورنگاس، تا حدی باعث دلگرمی آن‌ها می‌شد. اورنگاس در زمان انتصاب از سوی حامیان اسرائیل به عنوان «یکی از حامیان بسیار جدی اسرائیل در دولت» توصیف شد. تیمی که او به عنوان «نماینده امور لبنان» در آن عضو شده بود، دوپروژه سیاسی مهم برای اسرائیل را مدیریت می‌کرد، یکی ماجرای غزه و دیگری پرونده ایران. به همین مناسبت، رفتن او هم باعث تشدید نگرانی حامیان اسرائیل شده است. او در حالی برکنار شد که بنا بود سفری به لبنان داشته باشد، اما این سفر به ناگاه لغو و اعلام شد، او دیگر نقشی در تیم ویتکاف ندارد. وای‌نت نیوز، رسانه اسرائیلی که پایگاه آنلاین روزنامه «یهودیت آحارونوت» هم هست، نوشت برکناری اورنگاس، «مقامات [اسرائیل] را شوکه کرده است، از آن‌جا که او به عنوان فردی دیده می‌شد که هم‌راستایی نزدیکی با منافع اسرائیل دارد.»

▼ عضو اسرائیلی شورای امنیت

برکناری مروا سرن، درست مثل انتصابش جنجالی است. زمانی که او به شورای امنیت ترامپ آمد، سابقه خاص او مورد توجه قرار گرفت. سرن که اسرائیلی آمریکایی است، در حالی در شورای متولی امنیت ملی منصوب شده بود که پیشتر در دولتی خارج از ایالات متحده، یعنی دولت اسرائیل، سابقه عضویت داشت. مخالفان او، مخصوصاً در میان حامیان فلسطین، مدعی بودند او سابقه کاری در وزارت دفاع دولت اسرائیل داشته است؛ اما اسرائیلی‌های حامی او در مقابل ادعا کردند که او در اسرائیل فقط محقق بوده است. با این حال، او در جایگاهی قرار داشت که درباره سیاست خارجی و مشخصاً درباره سیاست دولت در

خاورمیانه نقش آفرینی می‌کرد. سرن مشخصاً با میز ایران و میز اسرائیل کار می‌کرد و این سابقه، در کنار ملیت و مواضع او، البته برای اسرائیل و حامیاناش خبر خوبی بود، حال، طبعاً به همان دلیل، رفتن او از شورای امنیت خبر ناخوشایندی برای آنان است.

▼ حامی اسرائیل و منصوب والتز

نام دیگری که در میان رفتگان اخیر جلب توجه کرده، اریک تریگر است. او که مسئول خاورمیانه و شمال آفریقا در شورای امنیت بود، سمتش را از اخراجی دیگر، یعنی والتز گرفته بود. او به عنوان کارشناس مسائل مربوط به خاورمیانه، به‌خصوص مسائل مصر و اخوان المسلمین شناخته می‌شد و در سال ۲۰۱۶، کتابی نوشت با عنوان «سقوط عربی: چگونه اخوان المسلمین در ۸۹۱ روز، مصر را برد و باخت.» این کتاب مربوط به تحولات مصر در دوران انقلاب‌های متوالی عربی بود که در مصر، به برگزاری انتخابات منجر شد. انتخابات را محمد مرسی، کاندیدای متصل به اخوان المسلمین برد اما کمی بعد، ژنرال عبدالفتاح السیسی، از فرماندهان حسنی مبارک، دیکتاتور پیشین، در کودتایی نظامی قدرت را پس گرفت. تریگر پیش از ورود به دولت، کارشناس بورسیه «اتر کی وگنر» در «مؤسسه سیاست‌های خاور نزدیک واشگتن» بود که اندیشکده‌ای حامی اسرائیل است. او هم به عنوان چهره‌ای شناخته می‌شد که نسبت به ایران موضع جنگ طلبانه دارد.

▼ گمانه‌زنی‌ها بالا می‌گیرد

وضعیت مذاکرات ایران و آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای، عملاً روی هواست. بعد از دو سه دوره مذاکره که هر کدام فقط دو سه ساعت طول کشیده بودند، هیچ جزئیاتی مشخص نمی‌شد. از دور چهارم به بعد که معلوم شد بحث بر سر مسائل اصلی مورد نظر، یعنی غنی‌سازی و تحریم‌ها شروع شده، مذاکرات به دست‌انداز افتاد و موضع‌گیری‌های منفی دو طرف شروع شد. همین حالا هم شورای حکام جلساتی را در دستور کار دارد و انتظار جدی می‌رود در همین جلسات، قطعنامه‌ای علیه ایران صادر شود. احتمال قوی وجود دارد که این قطعنامه با واکنش منفی ایران مواجه شود و از طرف دیگر، اتحادیه اروپا هم اسب‌ها را زین کرده تا در مسیر سازوکار ماشه پای بگذارند. انتظار جدی وجود دارد کلید خوردن سازوکار ماشه هم واکنش تند ایران را به دنبال داشته باشد و حتی از برخی اظهارات پیشین مقامات ایران برمی‌آید که ایران گزینه خروج از ان‌پی‌تی را هم روی میز داشته باشد. همه این‌ها می‌تواند احتمال توافق را پایین و پایین‌تر ببرد. در عین حال، نشانه‌های دیگری هم هست که از عزم دو طرف برای پیگیری توافق خبر می‌دهد و دو طرف، به‌خصوص ترامپ، در برنگاه‌هایی که پیش‌بینی می‌شد زین میز بزنند، نزده‌اند. همین باعث می‌شود بسیاری به دنبال نشانه‌هایی جانبی بگردند تا بتوانند تخمین بزنند در مسقط ورم، محل مذاکرات، چه خبر است.

در چنین فضایی، این برکناری‌ها به نشانه‌های قابل توجهی بدل می‌شوند. برکناری والتز در آن مقطع، برای بسیاری جالب توجه بود؛ مخصوصاً وقتی اعلام شد تعامل والتز با نتانیاهو درباره ایران، به تعبیر واشنگتن پست، ترامپ را «خشمگین» کرده است. حالا بعد از مدتی فرازونشیب، خبر رفتن این سه نفر جدید دوباره باعث گمانه‌زنی‌هایی در این باره شده است و حامیان حصول توافق را امیدوار کرده است؛ اما دو گزینه جدی ممکن است پشت تصمیم برای بیرون کردن این مقامات باشد. این دو گزینه، البته در هم تنیده‌اند، اما اینکه کدام دلیل اصلی بوده، می‌تواند تعیین‌کننده باشد. در ادامه این دو گزینه را بررسی می‌کنیم.

▼ اختلاف بر سر ایران؟

گزینه اول دوباره دلیلی برای خوش‌بینی حامیان توافق شده است. طبق این روایت، برنامه اصلی ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران این است که کار را به توافق برساند و پرونده را، بالاخره، ببندد. طبعاً اولویت‌ها، انگیزه‌ها و توقعات دولت ترامپ در این مسیر اگر گذارند و مثلاً با دولت بایدن یا اوپاما یکسان نبینند اما به هر حال، هدف اصلی این است که توافق شود و از آن مهم‌تر اینکه ترامپ، چنان که از او بر می‌آید، نمی‌خواهد کار به تقابل نظامی و جنگ بکشد و آمریکا، به پیش‌بینی اکثریت قاطع کارشناسان، وارد جنگ تمام‌نشدن دیگری شود. وقوع جنگی تازه در خاورمیانه، ابهام و پیش‌بینی ناپذیری را افزایش می‌دهد؛ ممکن است دوباره عراق، سوریه و خلیج فارس را محل وقوع تقابل کند؛ ممکن است تسهیل‌گر ادامه و تشدید تنش‌ها در دیگر نقاط منطقه از جمله فلسطین و لبنان باشد؛ با ایجاد ناامنی، هم پروژه‌های عمرانی و سیاسی رهبران عرب در کشورهای خودشان را در معرض آسیب قرار دهد و هم گردشگری را پایین بیاورد؛ بر خلاف منافع این رهبران عرب منطقه و مورد مخالفت جدی آن‌هاست؛ احتمالاً اسونامی مهاجرتی تازه‌ای از خاورمیانه کلید بزند که باز احتمالاً مدیریت آن، به‌خصوص برای متحدان اروپایی ایالات متحده، مشکل یا حتی غیرممکن باشد؛ پتانسیل سربرآوردن گروه‌های تروریستی تازه از جنس داعش و القاعده با تشدید قدرت گروه‌های موجود را با خود به همراه دارد و بالاخره، به این خاطر که تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله اهداف خواهند

بود و ضمناً اسرائیل هم تسلیحات هسته‌ای دارد، ممکن است همسایگان ایران و حاشیه‌نشینان خلیج فارس را درگیر تبعات انفجار هسته‌ای یا فروپاشی تأسیسات هسته‌ای کند. همه این‌ها علاوه بر اینکه هم ترامپ و هم ویتکاف، روابط حسنه‌ای با رهبران عرب منطقه دارند، می‌توانند دلایل این باشند که دولت فعلی آمریکا به دنبال اجتناب از گزینه‌های نظامی است. با همین فرمان، عجیب نخواهد بود اگر آن‌هایی که راه حل پیشنهادی اصلی‌شان، نه مذاکره و توافق که برخورد و حمله است، از دولت کنار گذاشته شوند و کار به دست آن‌هایی باشد که مثل ویتکاف طرفدار توافق هستند یا مثل رובیو، اولویت اصلی‌شان اجرای خواسته‌های رئیس‌جمهور است. در چنین سناریویی که منطقی هم هست، رفتن والتز، اورنگاس و دیگران، به نفع مذاکرات و توافق خواهد بود؛ اما همان‌طور که در نگاه اول قابل‌رؤیت است، وجه اشتراک این اخراجی‌ها، فقط مخالفت با دیپلماسی با ایران نیست.

▼ اختلاف با اسرائیل؟

رفتار و نگاه دولت ترامپ در قبال اسرائیل، بر خلاف قریب به اتفاق پیش‌بینی‌ها بوده است. ترامپ بر خلاف خواست و پیش‌بینی اسرائیل، به سمت تقابل نظامی با ایران نرفت و نه تنها مذاکره را آغاز کرد، بلکه اعلام این شروع گفت‌وگو را در حالی انجام داد که نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در کنارش و در مقابل خبرنگاران نشسته بود. اساساً یکی از انگیزه‌های مهم نتانیاهو در این سفر به واشنگتن، اقناع رئیس‌جمهور جدید بود تا پروژه نظامی علیه ایران کلید بخورد و بسیاری هم منتظر بودند در همین سفر، تصمیمی از این دست اعلام شود و نخست‌وزیر، دست پر به اسرائیل برگردد اما واقعیت، درست برعکس رقم خورد. از طرف دیگر، ترامپ در سفری که به خاورمیانه داشت، به جای اینکه به اسرائیل برود، به دیدار و گپ‌وگفت با رهبران خاورمیانه پرداخت و توافقاتی با آن‌ها حاصل کرد. ویتکاف چند ماه است نتوانسته میان اسرائیل و حماس آتش‌بسی حاصل کند و گروهان‌های اسرائیل را به آزادی برساند. در این فاصله، در کنار آن‌هایی که حماس را مقصر عدم توافق می‌دانند، بسیاری نتانیاهو را متهم می‌کنند که آزادی گروهان‌ها را اساساً در اولویت قرار نداده است. دولت آمریکا، البته انتقادات مکرر به رهبران حماس وارد کرده اما در همین میان، با میانجیگری دوستانش در خاورمیانه، بدون هماهنگی با اسرائیل، رآسأ با حماس مذاکره کرد تا یک گروهان آمریکایی اسرائیلی گرفتار را آزاد و خارج کند. از نگاه بسیاری، این اقدام آمریکا کنایه‌ای خطاب به اسرائیل در خود مستتر داشت.

نتانیاهو البته چندان به حفظ احترام کافی برای مقامات آمریکا به عنوان شریک بالادست معروف نیست. او در همین مدت از مسیرهای مختلف سعی داشته آمریکا را به صحنه تقابل نظامی دیگری در خاورمیانه بکشد و در این مسیر، از اهرم‌های قدرت خود در واشنگتن هم استفاده کرده است. ترامپ، البته با روحیات خاصش، بسیاری از موضوعات را شخصی ارزیابی می‌کند. تلاش نتانیاهو برای به‌هم‌زدن بازی دوست صمیمی ترامپ، یعنی ویتکاف، به اندازه کافی می‌توانست نامطلوب باشد اما وقتی او کار لابی را به مشاور رئیس‌جمهور رساند، احتمالاً علاوه بر دغدغه‌های امنیت ملی، به دلیل شخصی هم ترامپ را خشمگین کرده باشد. این در فضایی است که نتانیاهو مدام در حال خرج کردن حسن‌نیت رهبران غربی نسبت به خود است و هرازگاهی نشانه‌های کلافگی از او دیده می‌شود. مثل وقتی فرانسه، بریتانیا و آلمان بیانیه‌مشتترکی در تقابل با دولت اومنتشر کردند. گفت‌وگوی خصوصی باراک اوپاما و نیکولا سارکوزی در زمان ریاست جمهوری‌شان که با روشن‌بودن یک میکروفن علنی شد، حاکی از این بود که او اساساً چندان وجهه شخصی مثبتی ندارد و حالا بعد از سال‌ها بدقلقی، عجیب نیست اگر ترامپ از دست او خسته شده باشد. بی‌امان بودن اسرائیل در استفاده از اهرم‌های در اختیارش هم می‌تواند به این معنا باشد که چهره‌هایی مثل اورنگاس و سرن، آن قدر بر مواضع خود اصرار کرده باشند که برای تیم ترامپ، تحمل آن‌ها ناممکن شده باشد. همه این‌ها یعنی رفتن این چهار نفر از دولت، بیش از آنکه مربوط به سیاست ترامپ در قبال ایران باشد، به سیاست او در قبال اسرائیل ربط داشته باشد.

▼ کمی این، کمی آن؟

در عین حال این دو مسئله، همپوشانی و اثرگذاری جدی بر هم دارند. اگر دولت آمریکا واقعاً عزمی جدی برای تعامل با ایران داشته باشد، طبیعی است که با حامیان اسرائیل به چالش برخورد و هم‌زمان اگر میانه رهبران ایالات متحده و اسرائیل شکرآب شده باشد، طبیعی است که با کاهش نفوذ حامیان اسرائیل، صدهای مخالف توافق با ایران کم شوند. حتی ممکن است هر دو موضوع هم‌زمان در میان انگیزه‌های دولت ترامپ برای این تغییرات باشند؛ اما تفاوت در این اولویت‌بندی می‌تواند برای مذاکرات شکستنده‌ای مثل مذاکرات فعلی ایران و آمریکا تعیین‌کننده باشد. اگر ترامپ واقعاً در حال تصفیه مخالفان توافق با ایران از دولت باشد، می‌توان شانس بیشتری برای توافق قائل شد و حتی احتمال داد، واشنگتن بتواند در تعامل با تهران، از بحرانی مثل قطعنامه شورای حکام آژانس هم بگذرد. از طرف دیگر اما اگر اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو دلیل اصلی اخراج این نیروها باشد که بسیار ممکن است باشد، لزوماً نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که رئیس‌جمهور آمریکا با جدیت به سمت توافق با ایران می‌آید. رفتن والتز، اورنگاس، سرن و تریگر از دولت آمریکا، به هر حال برای تهران خبر خوبی است و برای تل آویو خبری بد. چقدر خوب و چقدر بد؟ باید منتظر بود و دید.

دیپلمات‌ها



تردید ترامپ درباره توافق

رئیس‌جمهور ایالات متحده نسبت به حصول توافقی که شامل توقف غنی‌سازی در ایران می‌شود، ابراز تردید کرد. دونالد ترامپ در گفت‌وگو با نیویورک پست در پاسخ به این سوال که آیا فکر می‌کند، می‌تواند ایران را به توافق برای تعطیلی برنامه هسته‌ای‌اش متقاعد کند، اظهار داشت: «نمی‌دانم. (زمانی) این‌طور فکر می‌کردم اما روزبه‌روز بیشتر - و بیشتر - نسبت به آن اطمینان کمتری پیدا می‌کنم.» رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه افزود: «به‌نظر می‌رسد که آنها در حال تعلل هستند و فکر می‌کنم این شرم‌آور است، اما اکنون نسبت به چند ماه پیش کمتر مطمئن هستم. اتفاقی برای آنها افتاده است، اما من از رسیدن به توافق بسیار کمتر مطمئن هستم.» او گفت: «خب، اگر آنها توافق نکنند، سلاح هسته‌ای خواهند داشت. اگر توافق کنند هم سلاح هسته‌ای خواهند داشت، می‌دانید؟ اما آن‌ها سلاح هسته‌ای جدیدی نخواهند داشت، بنابراین از این نظر مهم نیست.» ترامپ ادامه داد: «اما بهتر است این کار را بدون جنگ انجام دهند، بدون اینکه مردم بمیرند، انجام این کار بسیار بهتر است. اما فکر نمی‌کنم همان سطح از اشتیاق را برای آنها برای توافق ببینم. فکر می‌کنم آنها اشتباه می‌کنند، اما خواهیم دید. به نظر من زمان همه چیز را مشخص خواهد کرد.» دونالد ترامپ همچنین در پاسخ به سوال نیویورک پست مبنی بر این که آیا فکر می‌کند چین بر تصمیم تهران برای مقاومت در برابر درخواست‌های آمریکا تأثیر گذاشته است؟ گفت که باور ندارد، چنین باشد. او در این باره گفت: «من فقط فکر می‌کنم که شاید آنها نمی‌خواهند معامله کنند. چه می‌توانم بگویم؟ شاید هم می‌خواهند. پس این به چه معناست؟ این که هیچ چیز قطعی نیست.»



توافق مرضی الطرفین در دسترس است

وزیر امور خارجه ایران نوشت: «رئیس‌جمهور ترامپ هنگام ورود به کاخ سفید اعلام کرد که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد این موضع درواقع با کدترین خودماهم‌راستاست و می‌تواند به‌عنوان پایه‌ی اصلی یک توافق مورد استفاده قرار گیرد.» سیدعباس عراقچی افزود: «با بازگسری مذاکرات در روز یکشنبه، روشن است توافقی که بتواند استمرار ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کند، در دسترس است و حتی می‌توان به‌سرعت به آن دست یافت.» عراقچی تأکید کرد: «چنین توافقی که برای هر دو طرف نتیجه‌بخش باشد، موقول به ادامه برنامه غنی‌سازی ایران تحت نظارت کامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رفع مؤثر تحریم‌هاست.»



آماده‌ایم مواد هسته‌ای اضافی ایران را خارج کنیم

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین گفت، روسیه آماده است تا «در صورت لزوم» خدمات خود را برای خارج کردن مواد هسته‌ای اضافی از ایران ارائه دهد. پیش‌تر سرکنی ریابیکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه گفته بود، روسیه مایل است با خارج کردن سوخت هسته‌ای اضافی از ایران و تطبیق آن با تولید سوخت برای رآکتورها، به مذاکرات کمک کند. پسکوف در این باره گفت: «در صورت لزوم، یکبار دیگر، بسیار مهم است که در اینجا تصریح کنیم که در صورت لزوم، اگر طرفین ضروری بدانند، روسیه آماده ارائه چنین خدماتی خواهد بود.» پسکوف همچنین تأیید کرد که کشورش در تماس مداوم با ایران است.